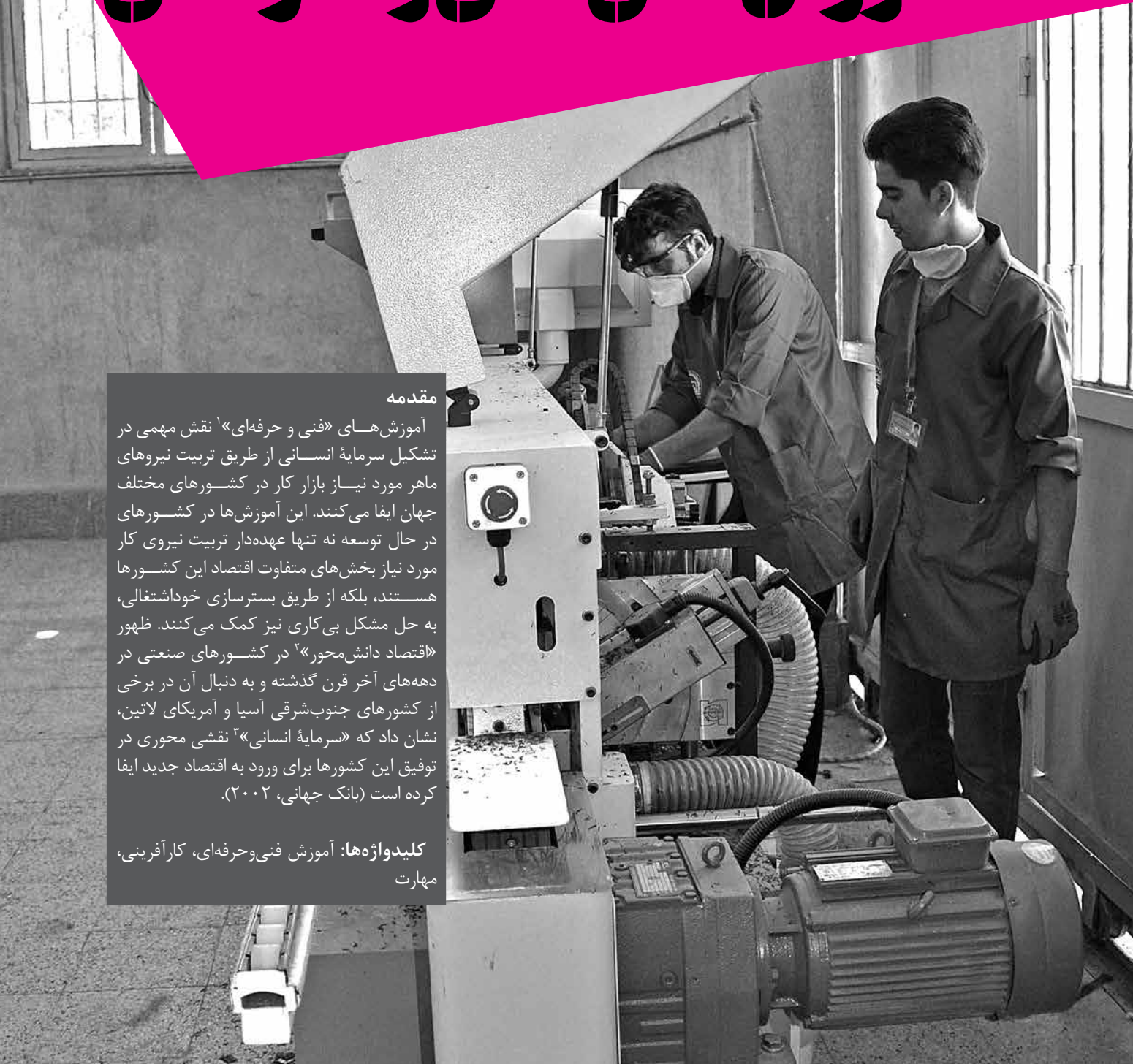


فرصت‌ها و تهدیدها در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

مقدمه

آموزش‌های «فنی و حرفه‌ای»^۱ نقش مهمی در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروهای ماهر مورد نیاز بازار کار در کشورهای مختلف جهان ایفا می‌کنند. این آموزش‌ها در کشورهای در حال توسعه نه تنها عهده‌دار تربیت نیروی کار مورد نیاز بخش‌های متفاوت اقتصاد این کشورها هستند، بلکه از طریق بسترسازی خوداشتغالی، به حل مشکل بی‌کاری نیز کمک می‌کنند. ظهور «اقتصاد دانش‌محور»^۲ در کشورهای صنعتی در دهه‌های آخر قرن گذشته و به دنبال آن در برخی از کشورهای جنوب‌شرقی آسیا و آمریکای لاتین، نشان داد که «سرمایه انسانی»^۳ نقشی محوری در توفیق این کشورها برای ورود به اقتصاد جدید ایفا کرده است (بانک جهانی، ۲۰۰۲).

کلیدواژه‌ها: آموزش فنی و حرفه‌ای، کارآفرینی، مهارت



**ظهور اقتصاد
دانش محور در
کشورهای صنعتی
در دهه های آخر
قرن گذشته و
به دنبال آن در
برخی از کشورهای
جنوب شرقی
آسیا و آمریکای
لاتین، نشان داد که
«سرمایه انسانی»
نقشی محوری در
توفیق این کشورها
برای ورود به اقتصاد
جدید ایفا کرده
است**

کشانده است. سرعت تغییرات فناوری و انتظارات بازار کار نسبت به نیروی ماهر و به تبع آن تشدید ضرورت آموزش های حرفه ای در قالب آموزش های حین کار، به شدت به این تقابل دامن زده است (سازمان بهره‌وری آسیایی، ۲۰۰۲). به گونه‌ای که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه (به ویژه کشورهای آسیایی) انتخاب بین آموزش های عمومی و حرفه‌ای به عنوان یک تصمیم دشوار قلمداد می‌شود [Yong, 1998].

از منظر نظریه سرمایه انسانی، آموزش عمومی موجد سرمایه عمومی است و آموزش فنی و حرفه‌ای موجد سرمایه اختصاصی است. مزیت سرمایه دوم این است که دارندگان آن، به اتکای مهارت‌های کسب شده، خود را برای به دست آوردن جایگاه‌های شغلی بهتر آماده می‌سازند. همین بینش باعث می‌شود که در بیشتر کشورهای جهان، حتی در نظام‌های تعلیم و تربیت آن‌ها، از دیرباز در کنار دوره‌های تحصیلی آموزش‌های عمومی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز مورد توجه باشند [Becker, 1964].

از جمله آن کشورها می‌توان از هند نام برد که از زمان شروع برنامه‌ریزی در این کشور در سال ۱۹۵۰ تاکنون، دولت آن همیشه بر افزایش فرصت‌های اشتغال و نهایتاً ریشه‌کنی بی‌کاری از کشور تأکید داشته است. به این منظور سرعت بخشیدن به نرخ‌های پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و افزایش سطح بهره‌وری، از اهداف اولیه پنج برنامه پیاپی این کشور بوده است. با وجود این، نرخ بی‌کاری در میان جوانان به دلیل کمبود امکانات افزایش یافته است. به این سبب کشور سیاست‌های دیگری را که اغلب آن‌ها بر اشکال متفاوت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای متکی هستند، به اجرا گذاشته است که از جمله روش‌های مهم پذیرش «حرفه‌گرایی» در آموزش متوسطه در سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۹۲ بود. اهداف طراحی شده برای سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰، سوق دادن ۱۰ تا ۲۵ درصد از دانش‌آموزان دبیرستانی به سوی تحصیل در زمینه‌های حرفه‌ای فراتر از دریافت گواهی امتحانات دبیرستان بود. اهداف این طرح عبارت بودند از: بهبود قابلیت‌های شغلی دانش‌آموزان؛ کاهش شکاف بین عرضه و تقاضای نیروی انسانی ماهر؛ ایجاد جایگزین برای کسانی که آموزش‌های عالی را بدون هدف خاصی دنبال می‌کنند.

کوبا نیز از زمان انقلاب تاکنون ارزش زیادی را برای برقراری ارتباط بین تحصیل و کار قائل شده

به علاوه می‌توان گفت که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به دلیل توأم بودن آموزش‌های نظری و عملی در آن‌ها، از توانایی زیادی در تشکیل سرمایه انسانی و تربیت «کارگر دانش‌مدار» برخوردار هستند.

این آموزش‌ها راه میانبری در مسیر تربیت نیروی انسانی نیز به شمار می‌روند، چرا که از یک سو با توجه به بهره‌مندی این آموزش‌ها از مبانی علمی و استفاده از روش‌های پذیرفته شده آموزش‌های کلاسیک، راه خود را از یادگیری بر مبنای تجربه عملی صرف جدا می‌کنند و از این طریق راه درازمدت و غیرعلمی این نوع فراگیری را کوتاه می‌سازند و این توانایی را در آموزش دیده فراهم می‌آورند تا بتواند خود را با تغییرات فناورانه به آسانی هماهنگ سازد. از سوی دیگر، این آموزش‌ها با توأم کردن آموزش‌های نظری و عملی، این امکان را برای آموزش دیده فراهم می‌آورند که هم‌سویی بیشتری با نیازهای بازار کار داشته باشد و از این طریق امکان بیشتری برای جذب در فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی به دست آورد.

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از مزیت بازدهی در کوتاه‌مدت و یا میان‌مدت نیز برخوردارند. در حالی که آموزش‌های کلاسیک به دلیل هزینه بالا، طولانی بودن دوره آموزش، سهم زیاد آموزش‌های نظری در آن‌ها و در نتیجه بهره‌مندی اندک از عملیات کارگاهی، از نظر هماهنگی با نیازهای بازار کار و جذب بازار کار شدن دچار مشکل هستند. به همین دلیل کشورهای جهان توجه روزافزونی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مبذول داشته‌اند، به طوری که این آموزش‌ها حتی به درون نظام آموزش‌های آکادمیک این کشورها نیز نفوذ کرده است.

مزیت‌هایی که برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برشمردیم، منوط به وجود برخی شرایط در ارائه این آموزش‌هاست که از آن جمله می‌توان به ضرورت برنامه‌ریزی مدون برای این آموزش‌ها، برخوردار بودن از امکانات و تجهیزات کارگاهی مناسب، انتخاب کارآموزان براساس توانایی‌های عمومی و انگیزه‌های قوی، استفاده از مربیان مجرب و علاقه‌مند، سهم مناسب آموزش‌های عملی و نظری در این دوره‌ها و طراحی زمان مناسب برای هر یک از دوره‌ها اشاره کرد.

پایین بودن سطح مهارت‌ها، طرف‌داران آموزش‌های حرفه‌ای و آموزش‌های کلاسیک را به نوعی به تقابل

مطالعات انجام گرفته در ۴۰ سال گذشته این واقعیت را نشان داده‌اند که هم جنبه‌های وراثتی و هم وجود فرصت‌های فراهم آمده در محیط، در پرورش افراد کارآفرین مؤثرند

و از این طریق، نه تنها آموزش‌ها را مؤثر و کارآمد کرده، بلکه بخش قابل توجهی از هزینه‌های آموزشی را نیز از طریق فراگیرندگان (نیروی کار مولد) تأمین کرده است. به علاوه، کار مولد همچنان بخش مهمی از دوره تحصیل را تشکیل می‌دهد. نهایتاً اینکه نظام آموزشی روی آموزش فنی و حرفه‌ای و پلی تکنیک تأکید می‌کند، به طوری که حتی از ۵۶۸۰ ساعت آموزش دوره شش ساله ابتدایی، ۴۸۰ ساعت آن را آموزش کار تشکیل می‌دهد. اتخاذ چنین سیاست‌هایی از جمله اولین اقدامات اساسی در پرورش روحیه کارآفرینی است و در مقابل این دیدگاه قرار دارد که به کارآفرینی صرفاً به عنوان نوعی ویژگی نگریسته شده است [Tolentiono, 1995].

مطالعات انجام گرفته در ۴۰ سال گذشته این واقعیت را نشان داده‌اند که هم جنبه‌های وراثتی و هم وجود فرصت‌های فراهم آمده در محیط، در پرورش افراد کارآفرین مؤثرند [Harper, 1983]. شواهد حاکی از آن است که مداخله‌های نظام‌مند از طریق برنامه‌های آموزشی و توسعه، آن هم با شناخت گروه‌های هدف و نیاز بازار کار، در شکل‌دهی به فعالیت‌های کارآفرینانه اثربخشی بالایی را به همراه داشته است. با این توضیح که نیازها ایستا نیستند و تغییر در شرایط محیط نیازهای آموزشی جدیدی را طلب می‌کند [Gibb, 1991].

برای پی بردن به اهمیت پرورش روحیه کارآفرینی کافی است بدانیم که فقط بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۰ در کشور آمریکا قریب به ۱۰/۸ میلیون شغل برخاسته از فعالیت‌های کارآفرینانه به وجود آمده است که در مقایسه با حذف ۸/۳ میلیون شغل به سبب سیاست‌های کوچک‌سازی و بهره‌ور کردن فعالیت‌ها، اقدامات کارآفرینانه به ایجاد قریب به ۲/۵ میلیون فرصت شغلی به طور خالص کمک کرده و اثرات منفی ناشی از بی‌کاری را برطرف ساخته است (۸).

در دو مطالعه دیگر نیز نشان داده شد که وجود سرمایه انسانی بالا به طور مثبت با سودآوری کسب و کار هم‌بستگی دارد و به عنوان مهم‌ترین عامل رشد در محیط پرتلاطم کنونی شناخته شده است [Cimeno, Folta, Coper, and Woo, 1997; Ho-ling, 1998].

براساس مطالعه‌ای در کشور آمریکا، ۸۳ درصد از نمونه‌های مورد پرسش متفق‌القول بودند که

مدرسه‌ها باید در مورد آمادگی کاری تعلیم‌گیرندگان بیشتر تأکید ورزند. در پاسخ به سؤال دیگری در مورد جایگاه و عملکرد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، ۷۶ درصد بر این باور بودند که باید به این آموزش‌ها توجه بیشتری مبذول شود. ۹۰ درصد آنان قبول داشتند که آموزش‌دیدگان فنی و حرفه‌ای شانس دریافت‌های مالی بالاتری را نسبت به آموزش‌دیدگان آموزش‌های عمومی خواهند داشت. ۹۲ درصد موافق بودند که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای علاقه افراد را به ادامه تحصیل در مراتب بالای حرفه‌ای ارتقا می‌بخشند. ۹۸ درصد آموزش‌های استاد-شاگردی و کارآموزی در محیط‌های کاری را برای فراگیرندگان ضروری دانستند و فقط چهار درصد از آن‌ها آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را فاقد جایگاه شغلی بالا منظور کردند [V.O.C.H, 1997].

براساس توصیه یونسکو، همه کشورها نیازمند به یک خط‌مشی منسجم آموزشی هستند، به نحوی که در آن، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به عنوان بخشی اساسی از این نظام یکپارچه دیده شده باشند [UNESCO, 1999]. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به صورت رسمی و غیررسمی در قالب آموزش‌های قبل از اشتغال و حین اشتغال در بیشتر کشورها وجود دارند و حتی در برخی از کشورها صاحبان صنایع و کارفرمایان نیز برای انجام برخی آموزش‌های مهارتی ملزم می‌شوند. برای مثال، در کشور هندوستان مؤسسات آموزش صنعت از ۵۹ واحد در سال ۱۹۵۶ به ۲۴۴۷ واحد در سال ۱۹۹۲ و ۳۰۰۰ واحد در سال ۱۹۹۶ افزایش یافته‌اند. این مراکز با اجرای برنامه‌های آموزشی در یک چارچوب زمانی یک تا دو ساله از نقش بالایی در تربیت صنعتگران برخوردار بوده‌اند [Dash, 2002].

طی چهار دهه گذشته، تعداد انستیتوهای آموزشی صنعت به طور مداوم در حال افزایش بوده است. این انستیتوها وظیفه آموزش دادن به جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله در رشته مهندسی و ۲۲ رشته غیرمهندسی را در یک دوره یک تا دو ساله به عهده داشته‌اند. کیفیت آموزشی این افراد به رشته‌ای بستگی داشت که برای آن آموزش می‌دیدند. تعداد این انستیتوها از حدود ۵۹ مؤسسه در پایان برنامه اول در سال ۱۹۵۶، به ۲۴۴۷ مؤسسه در ابتدای سال ۱۹۹۲ و حدود ۳۰۰۰ انستیتو در سال ۱۹۹۶ افزایش یافت و ظرفیت این انستیتوها به ۴۲۵۰۰۰ نفر رسید.

* پی‌نوشت‌ها

1. Vocational and Technical Education
2. Knowledge base Economy
3. Human Capital
4. Knowledge-Worker

۵. ایجاد رشته‌های کاردانش و هنرستان‌های هنری و فنی در کشورمان و توأم کردن آموزش‌های نظری و عملی در کشورهایمانند: کوبا، چین و هند از جمله اثرات آموزش‌های فنی-حرفه‌ای بر آموزش‌های کلاسیک در این کشورهاست.

6. Vocationalisation

۷. برنامه هشتم هند تصویب کرد که ۱/۶ میلیون دانش‌آموز دبیرستانی به سمت آموزش‌های حرفه‌ای جهت داده شوند. تا مارس ۱۹۹۴ تقریباً ۲۶۴۵۰ میلیون نفر در ۲۶۴۵۰ بخش حرفه‌ای در ۵۷۰۱ دبیرستان ثبت‌نام کردند.

8. <http://www.sba.gov.advo/states/>

۹. کشور ژاپن از جمله کشورهایی است که در آن دولت در ارتقای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به طور بسیار فعالی عمل می‌کند. گرچه در این کشور بخش خصوصی نیز فعال است، ولی بدون کمک دولت امکان توسعه و تسری این آموزش‌ها ممکن نیست.

* منابع

۱. شریف‌زاده، محمد (۱۳۹۲). آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش. معاونت آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش، دفتر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش.
۲. آقازاده، احمد (۱۳۸۴). آموزش و پرورش تطبیقی. انتشارات سمت. تهران.
۳. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (۱۳۷۹). نشر پژوهشکده تعلیم و تربیت. تهران.
۴. میرکمالی، سیدمحمد (۱۳۷۲). «تحلیلی بر توانمندی‌های شغلی فارغ‌التحصیلان دانشگاه». فصل‌نامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. زمستان.

• جهانی شدن و تأثیر آن در پیدایش نیازهای مهارتی جدید شغلی مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات؛

• شیب تند سرعت تغییرات در دانش، علوم و مهارت‌های گوناگون؛

• تأثیر شدید فرهنگ‌های بیگانه بر آداب و رسوم سنتی؛

• کاهش فرصت‌های شغلی معمول در جامعه؛

• عدم سرمایه‌گذاری صنعت (بخش خصوصی و دولتی) در آموزش و پرورش؛

• کاهش رضایت شغلی و انگیزه لازم در هنرآموزان و سایر کارکنان؛

• نابرابری در دستیابی به فرصت‌های شغلی؛

• تمرکز بیش از حد در تصمیم‌گیری و فقدان اختیار کافی مدیران واحدهای آموزشی؛

• محدودیت فرصت‌های شغلی دولتی در پاسخ به تقاضای روزافزون برای اشتغال؛

• کمبود تجهیزات و یا به روز نبودن تجهیزات کارگاهی؛

• فقدان آموزش مناسب ضمن خدمت برای نیروی انسانی شاغل در بخش هنرستان.

فرصت‌ها و قوت‌ها

• تغییر در سیاست‌های کلان کشور و جهت‌گیری آن به سمت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛

• اقبال و حساسیت عامه مردم برای تعلیم و تربیت شایسته فرزندان خود؛

• وجود نیروهای انسانی متخصص و متعهد به عنوان سرمایه‌های انسانی

• نزدیکی به صنایع کارخانه‌ها، شهرک‌های صنعتی و کارگاه‌های متنوع

• توجه به جنبه‌های علمی-پژوهشی و گرایشی به مدیریت علمی در آموزش و پرورش؛

• وجود قوانین و مقررات مربوط به آموزش و پرورش؛

• وجود دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی، آزاد و علمی-کاربردی برای ادامه تحصیل؛

• وجود زمینه‌های مناسب مشارکت بخش غیردولتی و سایر دستگاه‌های دولتی در پذیرش هنرجو؛

• تنوع بسیار در بافت فرهنگی- برای پذیرش رشته‌های گوناگون مهارتی.

مالزی نیز از جمله کشورهای است که توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کنار برنامه‌های متنوع را در دستور کار خود قرار داده و در این خصوص تنها به منابع داخلی بسنده نکرده است. بلکه برای انتقال فناوری به بخش صنعت، مؤسسات آموزشی فنی و حرفه‌ای مشترکی را با سه کشور انگلستان، فرانسه و آلمان در آن کشورها تأسیس کرده است.

در پاسخ به این سؤال که چرا برخی از کشورها، به ویژه در سطح کشورهای آسیایی، در اجرای برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای موفق و برخی ناموفق بوده‌اند، می‌توان گفت که این پدیده با عوامل متعددی ارتباط داشته است [Haq & Haq, 1998]. برخی از این عوامل عبارت‌اند از:

عوامل اجتماعی: در بسیاری از کشورهای آسیایی نوعی نگرش منفی نسبت به کارهای مبتنی بر مهارت یا اصطلاحاً کارهای یدی که مبتنی بر دستورالعمل هستند، وجود دارد.

عوامل اقتصادی: سطح توسعه اقتصادی و ساختار صنعت و تنوع فعالیت‌ها در بخش‌های گوناگون اقتصادی در ایجاد نیاز به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مؤثر واقع می‌شود. توجه به آموزش‌های آماده‌سازی جوانان برای کار از جمله خواسته‌ها و الزامات در بیشتر کشورها حتی در کشورهای توسعه‌یافته است.

دولت: از آنجا که آموزش فنی و حرفه‌ای نسبت به آموزش‌های عمومی پرهزینه‌تر است، لذا دولت‌ها از نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه این آموزش‌ها برخوردارند. این بدان معنی است که دولت‌ها می‌بایست در تخصیص منابع مالی توجه ویژه‌ای را به این آموزش‌ها معمول دارند. چراکه سرمایه‌گذاری نامناسب به بازده مناسب نمی‌انجامد. پرواضح است که توفیق در کسب دستاوردهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با اتکا به ادبیات موجود، در گرو تعامل عوامل و متغیرهای بسیار زیادی است که حاصل آن سرمایه‌انسانی کارآفرین است. نظر به غلبه رویکرد مشتری‌مداری در عصر حاضر ایجاب می‌کند که از منظر فراگیرندگان به عنوان اصلی‌ترین عنصر، اثربخشی مراکز فنی و حرفه‌ای مورد بازبینی قرار گیرد و شاخصه‌های آن‌ها سنجش و تحلیل شوند.

تهدیدها و محدودیت‌ها

• نگرش منفی نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در بعضی دانش‌آموزان، اولیا و حتی مسئولان؛